

فقه عفاف جنسی: فقه اجتماعی (کتاب)

نویسنده: سجاد بهرامی اسفرجانی
چکیده

فقه عفاف جنسی (فقه اجتماعی) کتابی به زبان فارسی درباره احکام شرعی متوجه افراد، هویت‌ها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی در زمینه رفتارهای عقیفانه یا غیرعقیفانه دیگران است. نوشته است. این کتاب ادامه بخش دیگری از پژوهش‌های حسین بستان (نجفی) در حوزه عفاف جنسی است که با نام فقه عفاف جنسی (فقه فردی) منتشر شده است. کتاب فقه عفاف جنسی در بخش فقه اجتماعی را پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۹ ش منتشر کرده است.

روش مؤلف در تدوین این کتاب، روش اجتهادی متعارف در حوزه‌های علمیه بوده که بعد از بررسی نظر فقیهان و آیات و روایات مربوط به هر باب، نظر نهایی خود را بازگو می‌کند. کتاب پیش‌رو شامل سه بخش اصلی بوده که در بخش اول، تعلیم و تربیت و اثرگذاری آن در عفاف جنسی مورد بررسی قرار گرفته و نویسنده به طرح مسائلی همچون احکام عام و مشترک، وظایف و اختیارات خانواده، وظایف روحانیت و حکومت پرداخته است.

در بخش دوم به تأثیرگذاری رفتارهای حمایتی بر عفاف جنسی پرداخته و وظایف خانواده، والدین، فرزندان، خویشاوندان و عموم مردم را یادآور شده است.

در بخش سوم عوامل نظارتی مؤثر در عفاف جنسی همچون تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر، نظارت شوهر بر زن، نظارت زن بر شوهر و ابعاد نظارتی حکومت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

ساختار و محتوای کتاب

کتاب «فقه عفاف جنسی (فقه اجتماعی)» به دنبال بررسی احکام شرعی متوجه افراد، هویت‌ها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی در زمینه رفتارهای عقیفانه یا غیرعقیفانه دیگران است. این کتاب را پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری جبهه فرهنگی حجاب و عفاف در سال ۱۳۹۹ ش منتشر کرده است.

حسین بستان نجفی (زاده ۱۳۴۷ ش) نویسنده کتاب، دانش‌آموخته دکتری در رشته جامعه‌شناسی است و عضویت در انجمن مطالعات اجتماعی حوزه علمیه قم و مدیریت گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را در کارنامه خود دارد. تدوین چندین مقاله و کتاب همچون «فقه عفاف جنسی (فردی و اجتماعی)»، «نظریه عرفی شدن با رویکرد اجتهادی تجربی» و «خانواده در اسلام» از جمله آثار اوست.

نویسنده، مباحث فقه عفاف جنسی را در دو محور فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و مطالب مربوط به فقه فردی را در کتاب دیگری با نام فقه عفاف جنسی (فقه فردی) و مطالب عفاف اجتماعی را در این کتاب گردآورده است.

کتاب فقه عفاف جنسی (فقه اجتماعی) دارای یک مقدمه و سه بخش است. به گفته نویسندگان، مبنای شناسایی و تفکیک نهادهای اجتماعی و همچنین وظایف و اختیاراتی که برای هر یک از نهادها تعریف شده به دلالت مستقیم آیات و روایات بوده است؛ به این معنا که عناوین ذیل فصول سه گانه، ناظر به نهادهایی هستند که متون دینی به طور مشخص به بیان وظایف آنها پرداخته اند (ص ۴).

نویسندگان مطالب مربوط به عفاف جنسی اجتماعی را در سه فصل بیان کرده است؛ در فصل اول به تأثیرگذاری تعلیم و تربیت در عفاف جنسی پرداخته (ص ۷) و در فصل دوم نقش و تأثیرگذاری حمایت را مورد بررسی قرار داده (ص ۵۱) و فصل سوم را به نظارت‌های لازم در حوزه عفاف جنسی اختصاص داده است (ص ۹۹).

تعلیم و تربیت
نویسندگان کتاب، اثرگذاری و بررسی تعلیم و تربیت در حوزه عفاف جنسی اجتماعی را در بخش بیان کرده است:

احکام عام و مشترک
به اعتقاد نویسندگان، عمومیت برخی از احکام و اصطلاحات فقهی به گونه‌ای است که در بخش‌های مختلف فقه از جمله عفاف جنسی اجتماعی راه یافته که اهم آن‌ها عبارت است از: ارشاد جاهل، راهنمایی به خوبی‌ها، مشاوره در جهت خوبی‌ها، نصیحت، اصلاح ذات‌البین، پرهیز از گمراه کردن دیگران و تأسیس سنت‌های نیک (ص ۷-۲۰).

وظایف و اختیارات خانواده
مؤلف با توجه به روایات، وظایف خانواده را به وظایف همسران و وظایف والدین تقسیم کرده و با استدلال به آیه ۶ سوره تحریم شوهر را موظف به راهنمایی و آموزش همسر دانسته و از باب ارشاد جاهل نیز زن را موظف به راهنمایی شوهر دانسته است (ص ۲۰-۲۱). در ادامه به وظایف و اختیارات والدین در قبال تعلیم و تربیت پرداخته شده و بر اساس روایات سه وظیفه برای آنها تعریف شده: آموزش عفاف و حجاب، تربیت عاطفی، شیردهی مناسب (ص ۲۲-۲۹).

وظایف و اختیارات روحانیت، عموم مردم و حکومت
حسین بستان در حوزه تعلیم و تربیت، نهادهایی همچون روحانیت را مسئول دانسته و آنها را با تفقه در دین، افتا، تبلیغ، پرهیز از کتمان علم، تزکیه نفوس، فعل معروف و ترک منکر ارجاع‌پذیر دانسته است (ص ۲۹-۴۴). به اعتقاد نویسندگان، وظیفه‌ای که به عموم مردم در حوزه عفاف جنسی محول شده، مداخله خیرخواهانه و اصلاح‌گرانه آنها در تحکیم و تشکیل خانواده‌ها است که با آگاهی‌بخشی و مشورت‌دهی و پرهیز از اختلاف‌افکنی می‌توانند در امر تعلیم و تربیت سهیم باشند (ص ۴۴-۴۷).

مؤلف با استفاده از روایات، آموزش مسائل مربوط به عفاف جنسی را از باب از بین بردن جهل و عدم آگاهی، وظیفه حکومت اسلامی دانسته (ص ۴۸) و احیای سنت نبوی (ص) همچون فرهنگ‌سازی سنت ازدواج و اتخاذ راهکارهای تشویقی و تنبیهی را بر عهده حکومت‌ها دانسته است (ص ۴۹).

حمایت

از دیگر عوامل مؤثر در عفاف جنسی که مورد توجه نویسندگان قرار گرفته حمایت‌های فردی و حکومتی است که در فصل دوم کتاب آن را بررسی کرده است (ص ۴۹). نویسندگان با بیان عناوینی همچون وجوب نصیحت، مطلوبیت برّ و احسان، صرف زکات در راه خدا، تعاون و اصلاح ذات‌البین حکم شرعی حمایت افراد و نهادها از عفاف جنسی را بیان کرده (ص ۵۱-۶۲) و پس از آن به بررسی وظایف خانواده، مردم و حکومت‌ها پرداخته است.

وظایف و اختیارات خانواده

حسین بستان، وظایف حمایتی خانواده‌ها را در سه بخش مورد بررسی قرار داده است:

وظایف همسران

وظایف حمایتی زن و شوهر در قبال یکدیگر از حیث تأثیر بر عفاف جنسی در شش محور مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. مؤلف با استناد به مسلمات فقه، آیات و روایات تمکین جنسی زن از مرد را واجب دانسته و قائل است زن بایستی بدون هیچ‌گونه محدودیت مکانی و زمانی امکان بهره‌گیری جنسی را برای شوهرش فراهم سازد مگر زمانی که عذر شرعی در میان باشد (ص ۶۲-۶۳).

مؤلف وجوب حمایت جنسی شوهر از زن را نیز مورد بررسی قرار داده و شواهد قرآنی و روایی آن را به چهار دسته ادله اجمالی، ادله خاص، قواعد فقهی و ادله آداب تقسیم کرده است. بستان با تکیه بر ادله خاص به این نتیجه رسیده که مرد حق ندارد بیش از چهار ماه همبستر شدن با همسرش را به تعویق بیندازد. همچنین از باب نفی حرج و مشقت از زن، و قاعده معاشرت به معروف، ارضای جنسی زن را وظیفه مرد دانسته است (ص ۶۴-۷۲).

نویسندگان حمایت‌های عاطفی و معیشتی را نیز در باب وظایف همسران مورد بررسی قرار داده و تأمین نفقه زن و لو زن ثروتمند باشد را وظیفه مرد دانسته است (ص ۷۷).

وظایف والدین

نویسندگان اثربخشی حمایت والدین در قبال عفاف جنسی فرزندان را مورد بررسی قرار داده است؛ حمایت معیشتی را با استفاده از عنوان وجوب پرداخت نفقه به اثبات رسانده و حمایت در ازدواج را در دو بخش تزویج فرزندان و تسهیل ازدواج مطرح کرده و به استناد آیه ۳۲ سوره نور و مشهور فتوای فقها، فراهم‌آوردن مقدمات ازدواج فرزندان را مستحب دانسته است (ص ۷۹-۸۳).

وظایف فرزندان و خویشاوندان

نویسندگان از آنجایی که پرداخت نفقه والدین در صورت نیاز بر فرزند واجب است؛ فراهم‌آوردن مقدمات ازدواج پدر را مستحب دانسته و از آن با عنوان (اعفاف) یاد کرده است (ص ۸۴). در باب وظایف خویشاوندان در قبال عفاف جنسی محور اصلی بحث را بر مدار ازدواج و حمایت ازدواج مجردها قرار داده و به آیاتی همچون آیه ۳۲ سوره نور، آیه ۱۷۷ سوره بقره، آیه ۹۰ سوره نحل استناد کرده است (ص ۸۴-۸۵).

وظایف عموم مردم و حکومت

نویسنده به استناد روایات، واسطه‌گری در ازدواج و حمایت از خانواده را در عفاف جنسی بر عموم مردم مستحب و مطلوب دانسته (ص ۸۹-۹۲) و قوادی (واسطه‌گری برای ایجاد رابطه جنسی نامشروع) را به استناد ضروریات فقه و آیات نهی از منکر حرام دانسته است (ص ۹۲).

در این کتاب، حمایت حکومت‌ها از عفاف جنسی مورد بررسی قرار گرفته و تسهیل همسریابی و حمایت از ازدواج به عنوان با اهمیت‌ترین روش حمایتی معرفی شده است (ص ۹۵).

حسین بستان وظیفه حکومت‌ها پیرامون ازدواج موقت را نیز مورد بررسی قرار داده و نظریه فقهایی که با استفاده از حکم ثانوی ترتب فساد، ترویج ازدواج موقت را جزو وظایف حکومت اسلامی نمی‌دانند به نقد گذاشته و با استفاده از روایات اسلامی و جلوگیری از ترویج روابط نامشروع، آماده‌سازی بستر ازدواج موقت را نیز وظیفه حکومت‌ها دانسته است (ص ۹۷-۹۸).

نظارت

نظارت‌های پیش‌گیرانه در نابودسازی ابزار گناه و ساماندهی محیط اجتماعی در جهت کاهش زمینه‌های اختلاط جنسی از دیگر بخش‌هایی است که حسین بستان در باب عفاف جنسی، به بررسی آن پرداخته است (ص ۹۹). نویسنده برای اجرای این نظارت‌ها از طرف نهادهای حکومتی، احکام عام و مشترکی را بیان کرده که امر به معروف و نهی از منکر، وجوب رابطه (مرزبانی و محافظت از رخنه‌گاه‌های دشمن) و حرمت صد و بازداشتن از راه خدا از جمله آنهاست (ص ۹۹-۱۴۵).

وظایف و اختیارات خانواده

مؤلف نظارت خانواده بر عفاف جنسی را تحت عناوینی همچون نظارت همسران، نظارت والدین بر فرزندان و نظارت فرزندان بر والدین مورد بررسی قرار داده است. نظارت شوهر بر زن را به استناد آیه ۶ سوره تحریم و برخی از روایات اسلامی به لزوم حفاظت خانواده از آتش دوزخ، مطلوبیت غیرت‌ورزی، اشتراط خروج زن از منزل با اجازه شوهر و توصیه به نگهداری زن در خانه معنا کرده است (ص ۱۴۶-۱۵۸).

نظارت زن بر شوهر از دیگر مسائلی است که حسین بستان با تکیه بر ادله وجوب امر به معروف آن را بر زن جایز دانسته و اشتراط در ضمن عقد نکاح را از راهکارهای آن معرفی کرده است (ص ۱۶۱-۱۶۷). پنهان‌سازی رابطه زناشویی، تفکیک محل خواب زن و شوهر از فرزندان و کنترل نگاه فرزندان از دیگر وظایف نظارتی است که به آن پرداخته شده است (ص ۱۷۷-۱۷۸).

وظایف روحانیت و حکومت

نویسنده بنابر ادله امر به معروف و نهی از منکر، عالم بودن روحانیون به شرایط امر به معروف، موقعیت الگویی آنها در جوامع دینی و اثرپذیری توده مردم از آنها، نقش نظارتی

روحانیون بر رعایت عفاف جنسی در جامعه را پررنگ‌تر از دیگر اقشار دانسته است (ص ۱۷۸-۱۸۰).

وظایف نظارتی حکومت اسلامی را نیز با ادله‌ای همچون وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب نصیحت، ولایت حاکم و قاعده لاضرر مشروع دانسته (ص ۱۸۲-۱۸۶) و ابعاد نظارتی حکومت‌ها را در الزام افراد به پرداخت دیون، اخذ اجباری زکات و نابود کردن ابزار گناه، قانون‌گذاری صحیح، اجرای حدود و تعزیرات و سامان‌دهی محیط اجتماعی تبیین کرده است (ص ۱۸۷-۲۰۲).

